



زلزله در واشنگتن: پایان بازی - اولگ یاسینسکی



اولگ یاسینسکی

ترجمه مجله جنوب جهانی



پس از تماشای تمام «نمایش» که با هنرنمایی رهبر اوکراین در اتاق بیضی کاخ سفید اجرا شد، به این نتیجه رسیدم که ناعادلانه است ولادیمیر زلنسکی را یک دلک بنامیم، زیرا او در واقع یک جادوگر است که دیروز معجزه‌ای را رقم زد: او موفق شد میلیون‌ها نفری را که تمام عمر خود از امپریالیسم آمریکا متنفر بودند، برای چند دقیقه با دونالد ترامپ و جی. دی. ونس همدل کند.

فکر می‌کنم برای درک بهتر آنچه اتفاق افتاد، باید این دیدار را بدون صدا تماشا کرد تا بتوان تنها بر زبان بدن شرکت‌کنندگان و چهره‌ی ناامید سفیر اوکراین در ایالات متحده، اوکسانا ماکارووا، تمرکز کرد.

وقتی زلنسکی بالاخره از این رویداد اخراج شد، به یاد داستان قدیمی‌ای افتادم که هرگز فکر نمی‌کردم آن را علنی کنم. این ماجرا سال‌ها پیش، زمانی که در آمریکای جنوبی در صنعت گردشگری کار می‌کردم، رخ داد. برای مدتی کوتاه، یک مشتری داشتم که

تحملش را نداشتم. او مردی ثروتمند و منزوی بود که با «نامزدش» سفر می‌کرد-زنی که او را از طریق یک کاتالوگ VIP انتخاب کرده بود. زیبایی مدل‌گونه‌ی این زن فقط با حماقت خالص و آشکارش تحت‌الشعاع قرار می‌گرفت. او جذاب بود و از همه چیز حیرت می‌کرد: از اینکه در صحرا شن وجود دارد، از اینکه در مناطق استوایی هوا گرم است، از اینکه رودخانه به دریا می‌ریزد و نه برعکس، «هرچند که در دریا آب بیشتری هست»، و از این باور محکم که در رستوران‌های گران‌قیمتی که در راهنمای میشلن ستاره ندارند، «فقط فقرا غذا می‌خورند».

وقتی این «عاشقان» با هم دعوا می‌کردند، بدترین تهدید نامزد مرد، خرید بلیت برگشت برای او در کلاس اقتصادی بود. در مواجهه با چنین چشم‌انداز وحشتناکی، همیشه اشک‌های پشیمانی و آشتی جاری می‌شد. دیروز، وقتی پایان این تراژدی-کمدی را تماشا می‌کردم، وحشت‌زده با خود فکر کردم: «اگر



ترامپ مهمان خود را با بلیت کلاس اقتصادی به خانه بفرستد چه؟»

بیا بید صریح باشیم: ما اینجا قرار نیست به صلح طلبی ترامپ باور کنیم، یا اینکه او از کشته‌های اوکراینی «دل‌شکسته» شده اما در برابر فلسطینی‌های بسیاری که جان می‌بازند، بی‌تفاوت است.

ما کاملاً درک می‌کنیم که او میل امپریالیستی شدیدی به تصاحب ثروت‌های عظیم طبیعی اوکراین دارد، منابعی که ظاهراً به دلیل اشغال غربی‌ها از این کشور، بی‌صاحب شده‌اند- یا دست‌کم از آنچه از این کشور باقی مانده است.

این بدترین لحظه برای دولت اوکراین است، هم در دوره قانونی و هم در دوره غیرقانونی‌اش، در حالی که گزینه لاشخورگونه‌ی ترامپ-تاجر به او می‌گوید که اکنون زمان اقدام است، زیرا روسیه در حال پیروزی در جنگ است و قلمروها و زمان باقی‌مانده برای غارت، به سرعت در حال کاهش است.

زلنسکی، کارمندی که باید لبخند می‌زد و اطاعت می‌کرد

حکومت ولادیمیر زلنسکی، که طی سه سال گذشته کاملاً به حمایت اقتصادی، نظامی، سیاسی و رسانه‌ای غرب-به رهبری ایالات متحده-وابسته بوده، دیگر حقی برای داشتن نظر مستقل درباره منابع کشورش ندارد؛ منابعی که مدت‌هاست دیگر متعلق به او نیستند. و اگر اربابان جدیدش از روی مصلحت از او خواسته بودند که انتخابات ریاست‌جمهوری را برگزار کند تا این عروسک خیمه‌شب‌بازی را جایگزین کنند، او به عنوان یک کارمند، باید با لبخند و سپاسگزاری اطاعت می‌کرد.

در کنفرانس خبری دیروز در کاخ سفید، برای جهان آشکار شد که رهبران غربی ماه‌هاست که به دنبال تغییر زلنسکی هستند، چرا که او دیگر قادر به تأمین منافع آن‌ها در مرحله جدید جنگ علیه روسیه نیست.

وقتی تاریخ تکرار می‌شود: از پینوشه تا زلنسکی



زلنسکی در ماه‌های اخیر نشان داده که نه نشانه‌های ظریف را درک می‌کند و نه دستورات مستقیم را. در این سال‌ها، رهبران غربی با نوازش و تقویت گستاخی، مصونیت و بی‌شرمی مطلق او، باعث شدند که او کاملاً از واقعیت فاصله بگیرد، تا جایی که در نهایت، در کاخ سفید، مضحک‌ترین «نمایش» دوران هنری خود را اجرا کند و همزمان به دوران سیاسی‌اش پایان دهد. او حتی از ناهاری که ابتدا برایش در نظر گرفته شده بود نیز محروم شد.

هرچه اکنون دوستان اروپایی‌اش بگویند-کسانی که می‌خواهند چهره خود را نجات دهند-حقیقت این است که رهبر کنونی رژیم کیف دیگر به درد هیچ‌یک از دو جناح «دنیای متمدن» نمی‌خورد.

یک نمایش از پیش برنامه‌ریزی شده؟

برخی تحلیلگران معتقدند که آنچه از ابتدا دیدیم یک نمایش برنامه‌ریزی شده بوده و دو سناریو را مطرح می‌کنند. اول، اینکه این یک تله‌ی از پیش طراحی شده از سوی ترامپ و ونس برای

به یاد بیاوریم که واشنگتن با پینوشه چه کرد: زمانی که او وظیفه خود را در قتل، شکنجه و تغییر ساختار اجتماعی شیلی برای حذف «تهدید» بازگشت یک نیروی دموکراتیک چپ‌گرا انجام داد (و این دو کلمه را در معنای اصیلشان، نه در مفهوم پست‌مدرن، به کار می‌برم)، ایالات متحده تصمیم گرفت او را کنار بگذارد. نخبگان اقتصادی جدید و قدیم شیلی، که قدرت خود را در دوران دیکتاتوری به دست آورده و افزایش داده بودند، نیاز داشتند که رشد کنند، صادرات داشته باشند و در بازار جهانی حضور پیدا کنند، اما تصویر وحشتناک بین‌المللی پینوشه مانعشان می‌شد. بنابراین، نیاز بود که رژیم یک چهره‌ی دموکراتیک جدید پیدا کند. وقتی پینوشه این پیام را دریافت نکرد، آمریکا ماجرای «انگورهای مسموم» شیلیایی را مطرح کرد و صادرات آن‌ها را ممنوع کرد، و در نهایت، بسیاری از تاجران «هوشیار» شیلیایی پیام را گرفتند و به صفوف اپوزیسیون تحت‌کنترل آمریکا پیوستند.

زلنسکی، مردی که پیام را درک نکرد



خود ارائه دهد. این نمایش نه باعث تحسین شد و نه همدردی، مگر از سوی جنگ‌طلبان اروپایی همدستش، مانند کایا کالاس و اورزولا فون در لاین، و یا برخی از نازی‌های اوکراینی که هنوز تشنه‌ی کشتار روس‌ها هستند. برای بقیه جهان، صرف‌نظر از نظرشان درباره دولت پوتین، این نمایشی تحقیرآمیز و زننده بود که تنها نشان‌دهنده‌ی زوال سیاست بین‌المللی است.

«نرم کردن» زلنسکی پیش از مذاکراتشان با روسیه بود. یا، دوم، این نمایشی بود که به نفع هر دو طرف بود، زیرا زلنسکی از این طریق در داخل اوکراین حمایت بیشتری کسب می‌کرد، و خود را به‌عنوان یک رهبر شجاع و سرسخت که قادر است با قوی‌ترین قدرت جهان روبه‌رو شود، نشان می‌داد.

سناریوی دوم چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. زلنسکی آن‌قدرها هم که می‌گویند بازیگر خوبی نیست و در اجرای آشفته‌اش در کاخ سفید، به شدت عصبی، کاملاً بی‌کنترل و همراهان اوکراینی‌اش به‌شدت مضطرب بودند، چرا که این پایان کار برای آن‌ها نیز محسوب می‌شد. سخنانش منسجم نبود، فقط من‌من کرد، حرکات اغراق‌شده‌ی یک بازیگر دست‌چندم را انجام داد و حتی به توهین متوسل شد.

یک پایان مفتضحانه

او حتی نتوانست در کنفرانس خبری‌ای که به‌طور زنده برای سراسر جهان پخش می‌شد، تصویری قابل‌قبول از دولت